

فصلنامه محیط راهبردی

سال چهارم، شماره ۱۲، پائیز ۱۳۹۹

مقاله پژوهشی، صفحه ۸۵ تا ۱۰۲

مفهوم‌سازی بحران امنیتی با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ

مهدی خانی^۱

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۹/۳

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۶/۱۴

چکیده

بحران امنیتی موضوعی است که در اغلب موارد مفروض در نظر گرفته می‌شود، این در حالی است که مفهوم و ابعاد آن تا حدود زیادی ناشناخته باقی مانده است. با توجه به اینکه در وا‌کاوی مفهوم بحران امنیتی، دیدگاهی امنیتی در موضوع بحران مدنظر است، نیاز است چهارچوب نظری پرداختن به آن نیز در قالب مطالعات امنیتی بررسی گردد، از این رو «مکتب کپنهاگ» برای این امر انتخاب گردیده است. هدف از این پژوهش واکاوی مفهوم بحران امنیتی با تأکید بر مکتب کپنهاگ است. نوع پژوهش کاربردی و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی است. در پاسخ به این سؤال که مفهوم بحران امنیتی با تأکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ چیست؟ بعد از جمع‌آوری ادبیات تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده به این نتیجه رهنمون می‌شویم که هر یک از بحران‌های امنیتی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و زیست‌محیطی) را می‌توان بر اساس سه شاخص تهدید، زمان و غافلگیری، در ۸ طبقه اداری، عادی، عمدی، انعکاسی، ویژه، بطئی، نوظهور و کاملاً بحرانی طبقه‌بندی نمود.

کلیدواژه‌ها: بحران، بحران امنیتی، مکتب کپنهاگ.

^۱. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

مقدمه

به لحاظ مفهومی، بحران خود یک مفهوم بحران‌زا و بحران‌زی است. اگرچه تاریخ بشر روایتی مستمر و بلاانقطاع از بازی بحران‌ها است، لیکن تاکنون گفتمان و ادبیات واحد و شفافی پیرا هون آن شکل نگرفته است. به بیان چارلز مک کلایند، در پنجاه سال گذشته از منظرهای گوناگون تحقیقاتی، مطالعات بسیاری درباره بحران انجام گرفته، اما چنین تلاش‌هایی نه تنها موجب پیشنهاد تعریفی شفاف از این مفهوم نشده، بلکه دلالت‌های آن را بس پیچیده‌تر نموده‌اند. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۴۷). در نگاه اول به مفهوم "بحران امنیتی" به نظر می‌رسد که معنای آن برای همگان قابل فهم است، اما وقتی افراد وارد مصادیق عینی می‌شوند با انبوهی از ابهامات روبرو خواهند شد. این حالت به دلیل وجود دیدگاه‌های متفاوت به واژه‌های بحران و امنیت به وجود می‌آید. به عبارتی دیگر با توجه به اینکه برای مفهوم بحران تعاریف مختلفی ارائه می‌شود و از طرفی برای مفهوم امنیت جنبه‌های سلبی و ایجابی و ابعاد سیاسی، اقتصادی، سیاسی و ... متصور است. تعریف بحران امنیتی نیز به همان مقدار با ابهامات جدی روبرو است. با بررسی پیشینه‌های موجود در رابطه با تحقیقات انجام شده در مورد بحران امنیتی، مشاهده می‌شود که اغلب آن‌ها مفهوم بحران امنیتی را به‌عنوان یک مفروض تلقی کرده‌اند و بیشتر به بیان رابطه سایر موضوعات با بحران امنیتی پرداخته‌اند. حال آنکه خود مفهوم بحران امنیتی اساساً با ابهامات جدی روبرو است. نبود تعریف مناسب باعث می‌شود که از طرفی این مفهوم در مجامع علمی با ابهام‌های گوناگون روبرو شود و از طرفی ارگان‌هایی که در مقابله با بحران امنیتی دارای مسئولیت هستند، با سردرگمی در حوزه عملکردی مواجه می‌گردند. از این‌رو مسئله این تحقیق و کاوی مفهوم بحران امنیتی قرار گرفته است.

چهار چوب نظری تحقیق:

برای بررسی و تحلیل مطالب در قالب موضوع امنیت و ابعاد مختلف آن، رهیافت‌ها و مکاتب مختلفی از جمله مطالعات امنیتی رئالیستی، لیبرالیستی، سازه‌انگاران، فرا ساختارگرایان، انتقادی و ... وجود دارد که محققان می‌توانند مسائل را در چارچوب آن‌ها مورد بررسی قرار دهند. اما «مکتب کپنهاگ» تنها رهیافتی است که صرفاً مبتنی بر مطالعات امنیتی بوده و همچنین جزو اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی، تلاش نموده است. مکتب

کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی برای آثار و نقطه نظرات باری بوزان، ال ویور، دو ویلد و برخی دیگر به کار برده است (عبداله خانی، ۱۳۸۳: ۳۴) بر اساس دیدگاه مکتب کپنهاگ، امنیت به بقا بازمی‌گردد. مطابق این برداشت، زمانی امری به یک موضوع امنیتی مبدل می‌شود که همچون تهدیدی اساسی (وجودی) برای یک موجود جلوه کند. مفهوم تهدید وجودی، ناظر بر تهدیداتی است که موجودیت موضوع مورد نظر را به مخاطره می‌اندازد و آن را با خطر اضمحلال و یا آسیب جدی روبرو می‌سازد (همان: ۱۴۳). سرشت خاص تهدیدات امنیتی، توسل به تدابیر فوق‌العاده را برای مهار آن‌ها موجه می‌سازد. استناد به امنیت، کلید مشروعیت بخشیدن به کاربرد زور است (بوزان؛ ویور؛ دو ویلد، ۱۳۸۶: ۶۶). مکتب کپنهاگ مخالف دیدگاهی است که هسته مطالعات امنیتی را جنگ و زور می‌داند یا پدیده‌ها و موضوعاتی را مطالعه می‌کند که دارای ویژگی‌های نزدیک و معناداری با جنگ و زور باشد. بوزان و همکاران به دنبال آن هستند تا دیدگاه رادیکال‌تری از مطالعات امنیتی را با بررسی تهدیدات تحمیل شده به اهداف مرجع و امنیتی کردن آن تهدیدات مطرح نمایند. این مکتب، امنیت را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده، اما در برخی جنبه‌ها بیشتر متمرکز شده و بعضاً مبتکر و طراح آن نیز بوده است. طرح موسع در برابر مضیق یکی از این موارد است که به منظور توسعه ابعاد امنیت مطرح شده است (عبداله خانی، ۱۳۸۳: ۱۴۱).

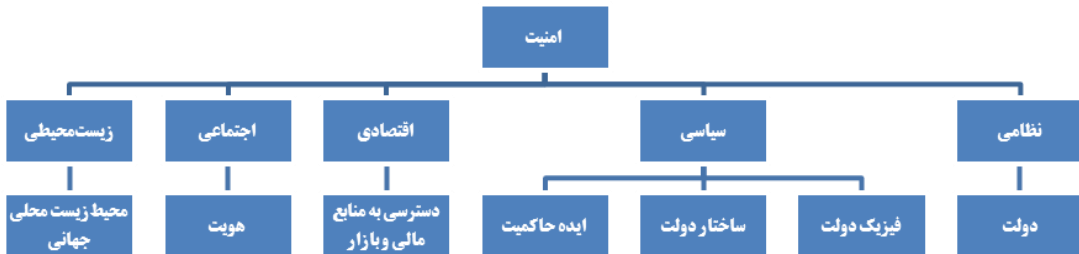
ابعاد مختلف امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ:

مطالعات سستی امنیت بر محور نظامی به‌عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بود و تمرکز بر بعد نظامی امنیت تأثیر عمیقی بر نظامی محور شدن مطالعات امنیتی گذاشته بود، به‌طوری‌که مطالعات امنیتی عمدتاً به مطالعه جنگ، آن‌هم در حوزه مطالعات استراتژیک تبدیل شده بود. این وضع تا اواخر دهه ۱۹۷۰ رویکرد مسلط در مطالعات استراتژیک و امنیتی بود. اما از اوایل دهه ۱۹۸۰ این رویکرد مورد چالش قرار گرفت. این نقدها ابتدا توسط ریچارد «اولمان» و سپس «هافندورن» و در ادامه توسط «دیوید بالدوین» صورت گرفت و «بوزان» به‌عنوان یک نو واقع‌گرا به شکل بسیار مبسوط‌تر و مستدل‌تر، امنیت مضیق را زیر سؤال برد. مکتب کپنهاگ برای بیان تهدیدات وجودی در گستره امنیت، ابتدا امنیت اجتماعات بشری را به پنج بعد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تقسیم

می‌نماید. سپس تهدیدات وجودی هر یک از پنج بعد را بیان می‌دارد و به تبیین مراجع و موضوعات هر یک از ابعاد مدنظر می‌پردازد (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴)

مرجع امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ:

اگر بخواهیم در مقام پاسخ به سؤال «امنیت برای چه کسی» برآییم «مرجع امنیت» مطرح خواهد شد. همان‌طور که ملاحظه شد مکتب کپنهاگ دیدگاهی موسع به امنیت دارد، از همین رو برخلاف دیدگاه مضیق به امنیت که به امنیت نظامی تأکید دارد، بر سایر ابعاد امنیت یعنی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی نیز توجه می‌نماید. حال اگر سؤال فوق را برای هر یک از ابعاد امنیت پرسیده شود، شاهد بروز پنج مرجع مختلف برای پنج بعد موردنظر مکتب کپنهاگ خواهیم بود (مرادیان، ۱۳۹۱: ۲۶). این مراجع از بطن تعاریف و ادبیات مطرح‌شده در مورد هر یک از ابعاد امنیت به دست می‌آید که به شکل زیر قابل طرح است:



بحران:

بحران اصطلاحی عامیانه است که در پی یافتن معنایی علمی است. برخی دانش‌پژوهان این اصطلاح را به همان معنای فشار، اضطراب، فاجعه، بلا، خشونت یا خشونت احتمالی به کار می‌برند و از لحاظ لغوی به معنای آشفتگی (عمید، ۱۳۸۸: ۲۷۲) است. در تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری، بحران نوعی وضعیت یا گونه‌ای رخداد است. در گفتمان سیاسی اواخر قرن هجدهم، بحران معنایی شناخته شده‌ای از قبیل "وقت برای تصمیم" و "تحول سیاسی" به خود گرفت. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۲-۵۱) بحران، تغییر حالت و از نظر امنیتی به معنی ستیزش و جنگ ادراکی است. به‌طور کلی بحران تعریف

واحد و مشخصی ندارد. بحران، به‌طور مشخص پس از جنگ دوم جهانی در ادبیات علوم سیاسی جایگاه ویژه‌ای برای خود باز کرد و اندیشمندان علم سیاست و جامعه‌شناسی در تبیین شرایط سیاسی جامعه از جهات مختلف توسعه «فرهنگی، اقتصادی و سیاسی» به تشریح شرایط حاکم بر جامعه و علل بروز بحران پرداختند (دبلیوپای، ۱۳۸۰: ۱۳). به‌طورکلی بحران، وقوع رویدادی است که روال عادی کار و چرخش زندگی را در یک سازمان و یا محیط مختل ساخته و رسیدگی به آن در اولویت سایر اقدامات مسئولین قرار می‌گیرد. همچنین، بحران را می‌توان وضعیتی دانست که از قبل حدس و انتظاری برای وقوع آن نبوده و در یک پروسه زمانی سریع، پاسخی فوری لازم دارد، زمان برای مقابله با آن بسیار کم بوده و می‌تواند ارزش‌های نظام را تهدید نماید. بحران حاکمیت موقعیت عدم اطمینان بر محیط داخلی و خارجی سازمان است و در سطح کلان، مجموعه عواملی که حکومت را در یکی از ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی دچار آشفتگی نموده و امنیت ملی کشور را دچار مخاطره سازد را بحران گویند (ساوه درودی، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۵۱).

ویژگی‌ها و شاخص‌های بحران:

در تدبیر بحران‌ها، نمی‌توان صرفاً به شناخت شاخص‌های عمومی و قابل تعمیم آنان امید بست، بلکه باید پا پس نهاده و از رهگذر ورود به نهانکده هر بحران و کالبدشکافی دقیق آن به شاخص‌های منحصر به فردش دست یافت. میلر و ایسکو بر اساس مطالعات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی شاخص‌ها و ویژگی‌های بحران را به شرح زیر اعلام نموده‌اند:

- ۱- یک وضعیت بحرانی، موقعیتی کوتاه‌مدت و حاد است تا بره‌ای طولانی، اگرچه طول مدت آن همواره نامشخص است.
- ۲- بحران موجد رفتاری است که غالباً آسیب‌شناسانه است. نظیر احساس بی‌کفایتی و یا به دنبال مقصری واهی گشتن.
- ۳- بحران، اهداف طرف‌های درگیر در آن را با تهدید مواجه می‌سازد.
- ۴- بحران امری نسبی است، آنچه برای یک حزب یا یک شخص بحران به حساب می‌آید، ممکن است برای طرف دیگر بحران نباشد.
- ۵- بحران موجد تنش (تنش فیزیکی و اضطراب) در ارگانسیم است.

- مک کارتی، شاخص‌های یک موقعیت بحرانی را عبارت می‌داند از:
- ۱- به خطر افتادن اهداف اولویت‌دار واحد تصمیم‌گیری.
 - ۲- زمان موجود برای پاسخ‌دهی پیش از انتقال تصمیم را محدود کرده و اعضای واحد تصمیم‌گیری را به تعجب و حیرت وامی‌دارد.
 - ۳- منابع فوق‌العاده را می‌طلبد.
 - ۴- پیش‌زمینه همگرایی رویدادهایی هستند که شرایط جدید و ناشناخته‌ای را می‌آفرینند. این امر، محیطی سرشار از بی‌اعتمادی را می‌سازد و این احساس را قوت می‌بخشد که دیگر کنترلی بر رویدادها و شرایط وجود ندارد.
 - ۵- نیازمند تصمیم‌گیری تحت شرایط وخیم و در زمان محدود، با اتکای بر اطلاعات ناقص هستند.
 - ۶- ماهیت و آثاری طولانی و استهلاکی دارند. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۷۳-۷۲)
- بحران خاص، بحرانی است که اجتماع و عناصر انسانی را به خطر می‌اندازد و یا نظام سیاسی را با خطر مواجه می‌سازد. بحران‌های خاص دارای ویژگی‌های زیر است:
- ۱- وضعیت ناپایدار و متزلزل که در چهارچوب آن، تغییر قطعی (بهتر یا بدتر) در شرف وقوع است.
 - ۲- هر نوع بی‌ثباتی که به تغییرات اساسی منجر شود.
 - ۳- شرایط، اوضاع یا دوران خطرناک و فاقد اطمینان.
 - ۴- هرگاه پدیده‌ای به‌طور منظم جریان نیابد، حالتی از نابسامانی ایجاد شود یا نظمی مختل گردد و یا حالتی غیرطبیعی پدید آید.
 - ۵- به وجود آمدن شرایط غیرمعمول یا غیرمتعارف در جریان حرکت یک سیستم یا نظام. (مظلومی، ۱۳۹۲: ۱۴)

شرایط بحرانی

برای ارائه تعریفی جامع از شرایط بحرانی، می‌توان این شرایط را از میان تعاریف و نظریات بیان شده به شرح زیر به دست آورد.

جدول (۱) نظریه‌ها و شاخص‌های شرایط بحرانی

شاخص‌های شرایط بحرانی	شاخص‌ها	محقق / نظریه دهنده
شرایط خارج از وضعیت عادی، بی‌ثبات و ناشناخته	آشفستگی	عمید
	به مرحله پیچیده‌ای که یک کار و یک رویداد از آن عبور می‌کند و خارج شدن از آن مشکل است.	امیرکبری
	بحران‌ها موقعیت‌هایی هستند که شرایط جدید و ناشناخته‌ای را پدید می‌آورند.	کلاهیچیان
	افراد وقتی در برابر اهداف مهم با مانعی روبرو شوند که نتوانند از روش‌های معمول حل مسئله استفاده کنند، در موقعیت بحران قرار می‌گیرند	کاپلان
	بحران شرایطی خارج از وضعیت عادی است که الگوهای مدیریتی متداول به هنگام اوج آن کارایی خود را از دست می‌دهند.	Burnett
	بحران موجد تنش (تنش فیزیکی و اضطراب) در ارگانسیم است.	میلر و ایسکو
	تهدید زایی (تحمیل تهدید) به ارزش‌ها و اهداف ملی	گادسون
	پیش‌زمینه همگرایی رویدادهایی هستند که شرایط جدید و ناشناخته‌ای را می‌آفرینند. این امر، محیطی سرشار از بی‌اعتمادی را می‌سازد و این احساس را قوت می‌بخشد که دیگر کنترلی بر	مک کارتی

	<p>رویدادها و شرایط وجود ندارد.</p>	
	<p>وضعیت ناپایدار و متزلزل که در چهارچوب آن، تغییر قطعی (بهتر یا بدتر) در شرف وقوع است. هر نوع بی‌ثباتی که به تغییرات اساسی منجر شود.</p> <p>شرایط، اوضاع یا دوران خطرناک و فاقد اطمینان. هرگاه پدیده‌ای به‌طور منظم جریان نیابد. حالتی از نابسامانی ایجاد شود یا نظمی مختل گردد و یا حالتی غیرطبیعی پدید آید.</p> <p>به وجود آمدن شرایط غیرمعمول یا غیرمتعارف در جریان حرکت یک سیستم یا نظام.</p>	<p>مظلومی</p>
<p>مستلزم پاسخ‌دهی و تصمیم‌گیری سریع و به‌کارگیری منابع فوق‌العاده</p>	<p>زمان موجود برای پاسخ‌دهی پیش از انتقال تصمیم را محدود کرده و اعضای واحد تصمیم‌گیری را به تعجب و حیرت وامی‌دارد. منابع فوق‌العاده را می‌طلبد. نیازمند تصمیم‌گیری تحت شرایط وخیم و در زمان محدود، با اتکای بر اطلاعات ناقص هستند.</p>	<p>مک کارتی</p>
	<p>بحران‌ها موقعیت‌هایی هستند که مستلزم پاسخ‌دهی آنی و اختصاص منابع فوق‌العاده دارد</p>	<p>کلاهیچان</p>
	<p>بحران در اثر وقوع ناگهانی و غیرمنتظره حادثه و یا اتفاقی به وجود می‌آید که توجه فوری به آن برای اخذ تصمیم فوری، ضروری است</p>	<p>میتزر برگ</p>
	<p>یک وضعیت بحرانی، موقعیتی کوتاه‌مدت و حاد است تا برهه‌ای طولانی، اگرچه طول مدت آن همواره</p>	<p>میلر و ایسکو</p>

	نامشخص است.	
ایجاد خطر برای ابعاد حیاتی	بحران به معنای بروز خطر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است	Crandal
	سازمان را هنگامی باید با بحران روبرو دانست که در اثر تغییر و تحولات، بقاء و حیات آن به مخاطره افتد.	ایگور انسف
	به خطر افتادن اهداف اولویت‌دار واحد تصمیم‌گیری.	مک کارتی

بنا بر آنچه در جدول (۱) مشاهده می‌شود، شرایط بحرانی شامل شاخص‌های زیر است:

- ۱- شرایط خارج از وضعیت عادی، بی‌ثبات و ناشناخته
- ۲- مستلزم پاسخ‌دهی و تصمیم‌گیری سریع و به‌کارگیری منابع فوق‌العاده
- ۳- ایجاد خطر برای ابعاد حیاتی یک سازمان / نظام / جامعه

سطوح و طبقات بحران‌ها

بر اساس مدل تحریک - واکنش، بحران رفتار تصمیم‌گیرندگان یعنی درک و احساس آنان از علائم محرکه و واکنششان در مقابل تحریک انجام شده، مربوط می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، در این الگو بحران عبارت است از وضعیتی که:

- ۱- هدف‌های عالی و حیاتی واحد تصمیم‌گیرنده را تهدید می‌کند.
- ۲- زمان واکنش برای اتخاذ تصمیم محدود است.
- ۳- عناصر و عوامل تصمیم‌گیرنده را با بروز ناگهانی خود غافلگیر می‌کند. این سه عامل مهم در تعریف و تشخیص بحران از دیدگاه روش تصمیم‌گیری نقش عمده‌ای دارند: تهدید، زمان، غافلگیری. بر اساس این سه عامل، می‌توان هشت وضعیت کاملاً بحرانی، نوظهور، بطئی، ویژه (موردی)، انعکاسی، عمدی، عادی و اداری را تصور کرد که به شرح ذیل است: (غریباق زندی، ۱۳۹۰: ۵۳-۵۲)

جدول (۲) سطوح و طبقات بحران‌ها

غافلگیری /	میزان	میزان	نوع
------------	-------	-------	-----

وضعیت / سطح	تهدید	زمان	پیش‌بینی شده
کاملاً بحرانی	شدید	کوتاه	غافلگیری
نوظهور	شدید	بلند	غافلگیری
بطئی	ضعیف	بلند	غافلگیری
ویژه یا موردی	ضعیف	کوتاه	غافلگیری
انعکاسی	شدید	کوتاه	پیش‌بینی شده
عمدی	شدید	بلند	پیش‌بینی شده
عادی	ضعیف	بلند	پیش‌بینی شده
اداری	ضعیف	کوتاه	پیش‌بینی شده

نکته حائز اهمیت در جدول (۲)، بحث اطلاعات است. در چهار مورد اول آگاهی در سطح پایین قرار داشته و سازمان/ نظام حکومتی با بدترین حالت مواجه است. در واقع به علت نداشتن آگاهی هرگونه تصمیم‌گیری به احتمال قوی با شکست مواجه می‌شود، مگر اینکه شناس را مورد توجه قرار دهند که این امر در اصول مدیریتی پذیرفتنی نیست. در چهار مورد دوم به علت اینکه سازمان از اطلاعات لازم - که شاید هم کافی نباشد - برخوردار است، امکان کنترل بحران فراهم است. (ساوه درودی، ۱۳۹۰: ۳۰۶). در چهار حالت اول به علت نبود اطلاعات، امکان پیش‌بینی و توان مقابله با بحران وجود ندارد، از این رو سازمان/ نظام حاکم در این حالت هر لحظه در معرض سقوط و سرنگونی قرار دارد. در چهار حالت دوم وضعیت بهتر از چهار مورد اول است؛ چرا که در این وضع سازمان به علت داشتن اطلاعات کافی، شناخت خوبی برای اداره امور داشته و در وضعیت مناسبی به سر می‌برد. (ساوه درودی، ۱۳۹۲: ۱۳۸-۱۳۷)

بحران امنیتی، ابعاد و سطوح آن (بر اساس دیدگاه‌های مکتب کپنهاگ)

برای اینکه موضوع این بخش را بتوانیم بهتر توضیح دهیم، ضروری است مفروض‌هایی را که تبیین مفهوم بحران امنیتی، ابعاد و سطوح آن بر آن‌ها استوار است را موردبازنگری قرار دهیم. این مفروض‌ها به دست آمده از مباحثی است که در قسمت‌های قبلی به آن‌ها اشاره شده است.

مفروض ۱: همان‌طور که قبلاً گفته شد بر اساس دیدگاه مکتب کپنهاگ، امنیت به بقا بازمی‌گردد. مطابق این برداشت، زمانی امری به یک موضوع امنیتی مبدل می‌شود که همچون تهدیدی اساسی (وجودی) برای یک موجود جلوه کند. مفهوم تهدید وجودی، ناظر بر تهدیداتی است که موجودیت موضوع موردنظر را به مخاطره می‌اندازد و آن را با خطر اضمحلال و یا آسیب جدی روبرو می‌سازد. از این دیدگاه می‌توانیم بگوییم زمانی که مراجع امنیتی با مشکل روبرو شوند ما با بحران امنیتی مواجه خواهیم بود.

مفروض ۲: بر اساس دیدگاه‌های مکتب کپنهاگ، امنیت به پنج بعد نظامی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تقسیم می‌شود که هر یک از این ابعاد دارای مراجعی هستند. مرجع بعد نظامی، دولت؛ مرجع بعد سیاسی، ایده حاکمیت، ساختار و فیزیک دولت؛ مرجع بعد اقتصادی، دسترسی به منابع مالی و بازار؛ مرجع بعد اجتماعی، هویت و مرجع بعد زیست‌محیطی، محیط‌زیست محلی و جهانی است.

مفروض ۳: بر اساس تحلیل انجام شده بر روی تعاریف مختلف ارائه شده از بحران، هرگاه با شاخص‌های ۱- شرایط خارج از وضعیت عادی، بی‌ثبات و ناشناخته، ۲- شرایط مستلزم پاسخ‌دهی و تصمیم‌گیری سریع و به‌کارگیری منابع فوق‌العاده و ۳- ایجاد خطر برای ابعاد حیاتی مرجع امنیت روبرو شویم، درواقع با شرایط بحرانی روبرو هستیم.

مفروض ۴: بر اساس مدل تحریک - واکنش و بر اساس سه عامل تهدید، زمان و غافلگیری هر یک از بحران‌های امنیتی را می‌توان در هشت طبقه اداری، عادی، عمدی، انعکاسی، ویژه، بطئی، نوظهور و کاملاً بحرانی طبقه‌بندی نمود. مفروض‌های بیان شده را به‌طور خلاصه می‌توان به شکل جدول زیر به نمایش گذاشت.

جدول (۳) مراجع امنیت و سطوح بحران

ابعاد امنیت	مراجع امنیت	شرایط بحرانی	سطوح بحران
نظامی	دولت	۱- شرایط خارج از وضعیت عادی، بی‌ثبات و ناشناخته	کاملاً بحرانی

نظهور	۲- مستلزم پاسخ‌دهی و تصمیم‌گیری سریع و به‌کارگیری منابع فوق‌العاده	ایده حاکمیت	سیاسی
بطئی		ساختار دولت	
ویژه		فیزیک دولت	
انعکاسی	۳- ایجاد خطر برای ابعاد حیاتی	دسترسی به منابع مالی و بازار	اقتصادی
عمدی		هویت	اجتماعی
عادی		محیط‌زیست محلی،	زیست‌م
اداری		جهانی	حیطی

بر اساس آنچه گفته شد، اگر مراجع امنیت در هر یک از ابعاد پنجگانه امنیت(نظامی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) با شرایط بحرانی روبرو شوند، بحران امنیتی به وجود می‌آید. بنابراین بحران امنیتی خود به پنج نوع تقسیم می‌گردد، بحران امنیتی نظامی، بحران امنیتی سیاسی، بحران امنیتی اقتصادی، بحران امنیتی اجتماعی و بحران امنیتی زیست‌محیطی. سطح این بحران‌های امنیتی بر اساس تعاریفی که مسئولان امر بر اساس معیارهای نظام مربوط ارائه می‌نمایند، می‌تواند به هشت سطح(کاملاً بحرانی، نوظهور، بطئی، ویژه، انعکاسی، عمدی، عادی و اداری) تقسیم شود. به‌عنوان مثال اگر هویت به‌عنوان مرجع امنیت اجتماعی با شرایط بحرانی(سه شاخص بیان شده در جدول ۳) مواجه گردد، آنگاه نظام با بحران امنیتی اجتماعی روبرو است. این بحران امنیتی اجتماعی بر اساس معیارهای هر نظام و کشوری می‌تواند در قالب هشت سطح مختلف، از سطح کاملاً بحرانی تا سطح اداری سطح‌بندی شود، به‌عبارتی دیگر بحران امنیتی اجتماعی می‌تواند در سطح اداری تا سطح کاملاً بحرانی باشد.

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری:

مفهوم بحران امنیتی همانند مفهوم امنیت امری سهل و ممتنع است و با نگاه به جنبه‌های مختلف زندگی انسانی، آن‌قدر مفهوم امنیت گسترده می‌شود که ارائه یک تعریف جامع و مانع بسیار سخت می‌نماید. مفهوم بحران امنیتی نیز در بسیاری مواقع امری بدیهی و مفروض انگاشته شده است،

درحالی‌که واقعیت آن است که وقتی از متصدیان امر خواسته می‌شود به بیان مصداق‌های بحران امنیتی اشاره کنند، هر یک به مصداق‌های نسبتاً متفاوتی برای بحران امنیتی اشاره می‌کنند. درواقع هر کس بر اساس دیدگاه، تخصص و نگاه خود به موضوع امنیت و شرایط بحرانی به ارائه مصداق می‌پردازد. متخصصی که در بخش اجتماعی یک جامعه فعالیت می‌کند، ممکن است از بین رفتن پایداری اعضای جامعه به آداب، رسوم و فرهنگ اصیل جامعه را مصداق بحران امنیتی بداند و فردی که در بخش اقتصادی فعالیت می‌کند، تحریم‌های اقتصادی و دسترسی نداشتن به بازارهای بین‌المللی را به‌عنوان مصداق بحران امنیتی بداند. برخی از صاحب‌نظران نیز تنها جنگ، کودتا، حرکت جامعه به سمت براندازی حکومت، به خطر افتادن هیئت حاکمه و مواردی مانند این را مصداق بحران امنیتی می‌دانند. با این تفاسیر ارائه الگویی علمی برای ارائه مفهوم بحران امنیتی، ابعاد و سطوح مختلف آن ضروری است که در این مقاله تلاش شد با استفاده از آموزه‌های مکتب کپنهاگ به این امر دست یابیم. تبیین مفهوم بحران امنیتی با استفاده از چهارچوب نظری مکتب کپنهاگ به این معنا نیست که امکان تبیین بحران امنیتی در قالب سایر نظریه‌ها و مکاتب امنیتی میسر نیست. اینکه در این مقاله از چهارچوب مکتب امنیتی کپنهاگ استفاده شده است، به خاطر دیدگاه موسع و نسبتاً روشن این مکتب نسبت به امنیت است که در قسمت‌های قبلی به تفصیل به این امر اشاره شده است. در نهایت بر اساس دیدگاه‌های مکتب کپنهاگ و بررسی ادبیات موجود در زمینه بحران، می‌توان بحران امنیتی را به شکل زیر ترسیم نمود.



بهره‌های امنیتی با تاکید بر آموزه‌های مکتب کپنهاگ

- - ابعاد امنیت
- - مراجع امنیت
- - شرایط بحرانی
- - انواع بهره‌های امنیتی
- - طبقه بندی بهره‌های امنیتی

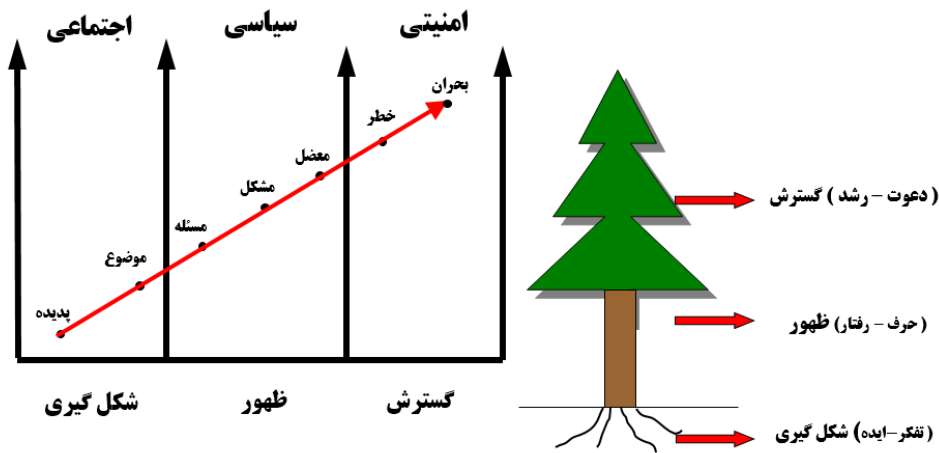
مکتب کپنهاگ، امنیت را به پنج بعد نظامی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تقسیم می‌کند. هر یک از این ابعاد دارای مراجعی هستند. اگر این مراجع در شرایط بحرانی یعنی ۱- شرایط خارج از وضعیت عادی، بی‌ثبات و ناشناخته باشد ۲- شرایط مستلزم پاسخ‌دهی و تصمیم‌گیری سریع و به‌کارگیری منابع فوق‌العاده باشد ۳- ایجاد خطر برای ابعاد حیاتی مرجع امنیت متصور باشد، با بحران امنیتی در هر یک از ابعاد امنیت مواجه خواهیم شد. هر یک از بحران‌های امنیتی را نیز می‌توان بر اساس سه شاخص تهدید، زمان و غافلگیری، در ۸ طبقه اداری، عادی، عمدی، انعکاسی، ویژه، بطئی، نوظهور و کاملاً بحرانی طبقه‌بندی نمود. در ادامه برای روشن‌تر شدن موضوع به مقایسه تحلیل فتنه ۸۸

بر اساس مدل سه مرحله‌ای بحران امنیتی (به‌عنوان یکی از مدل‌های رایج در تحلیل بحران امنیتی) و مدل مطرح شده در این مقاله می‌پردازیم.

تحلیل فتنه ۸۸ بر اساس مدل سه مرحله‌ای بحران امنیتی

بر اساس مدل سه مرحله‌ای بحران امنیتی، این فتنه اصولاً در مرحله بحران امنیتی نبوده است، چرا که مطالبات مردمی در سطح سیاسی مطرح شده و اصولاً فضا وارد مرحله امنیتی نشده است. برای روشن‌تر شدن موضوع باید گفت بر اساس این مدل یک رویداد باید با حرکت از مرحله اجتماعی به مرحله سیاسی و سپس امنیتی برسد. شکل زیر این دیدگاه را توضیح می‌دهد.

مسیر شکل‌گیری بحران



از طرفی کارشناسان طرفدار این مدل اعتقاد دارند، وسعت و فراگیری فتنه ۸۸ به شکلی بوده است که بیشتر تهران و اطراف آن را تحت تأثیر قراردادده و به سایر نقاط کشور کمتر سرایت نموده است. بنابراین این رویداد را نمی‌توان مصداقی از بحران امنیتی دانست.

ایرادهای بسیاری به این تحلیل وارد است که در ادامه چند مورد از آن‌ها را برمی‌شماریم:

۱- اصولاً رویدادها ممکن است سیر صعودی ترسیم شده را سپری نکنند و به‌صورت ناگهانی اتفاق بیفتند. به‌عنوان مثال جنگ یک بحران امنیتی است که گاهی بر اساس بالاگرفتن مناقشات سیاسی اتفاق می‌افتد و معمولاً در لایه‌های اجتماعی محقق نمی‌شود.

۲- این مدل تصور اینکه ممکن است که در لایه اجتماعی یا سیاسی دچار بحران امنیتی شویم را نفی می‌کند. درحالی‌که امکان ایجاد بحران امنیتی در هر یک از لایه‌ها متصور است. به‌عبارتی دیگر ممکن است سیر صعودی یک رویداد از مرحله پدیده تا بحران در لایه اجتماعی و یا سیاسی نیز رخ دهد.

۳- علاوه بر لایه‌های اجتماعی و سیاسی، ممکن است بحران امنیتی در لایه نظامی و زیست‌محیطی نیز وجود داشته باشد. بنابراین تنها محدود کردن سیر بروز بحران به لایه‌های اجتماعی و سیاسی ناقص است.

۴- این مدل توانایی تبیین شدت بحران امنیتی را ندارد. به‌عبارتی دیگر این مدل اذعان می‌دارد که یک رویداد از مرحله پدیده شروع و تا مرحله بحران به‌پیش می‌رود. اما در مرحله نهایی اینکه خود بحران امنیتی به‌واقع در چه مرحله‌ای است و ما با چه شدتی از بحران امنیتی روبرو هستیم، مشخص نیست.

فتنه ۸۸ حداقل ایده حاکمیت نظام (که به‌عنوان مرجع امنیت سیاسی محسوب می‌گردد) را به‌نوعی با چالش روبرو ساخته بود. فراگیر شدن شعارهایی همچون «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران»، «جمهوری ایرانی»، شعارهایی با مضامین مخالفت با ولایت‌فقیه و مانند آن، رسوخ مخالفت‌ها در اقشار مختلف مردم به‌جای یک گروه و طیف خاص، دوقطبی شدن مردم در سراسر کشور (علی‌رغم بروز نکردن اعتراضات به‌صورت علنی در تمام نقاط کشور)، ادعای ناکارآمدی نظام در برگزاری انتخابات آزاد، ایراد وارد کردن به‌نظام انتخاباتی (به‌ویژه نظارت استصوابی) و ... همه حاکی از مصداق‌هایی از این امر دارد. از طرفی شرایط بحرانی محقق شده بود، یعنی ۱- شرایط خارج از وضعیت عادی جامعه و به‌نوعی بی‌ثبات بود، ۲- شرایط مستلزم پاسخ‌دهی و تصمیم‌گیری سریع و به‌کارگیری منابع فوق‌العاده بود و به همین واسطه نیروهای امنیتی و انتظامی وارد عمل شدند. و ۳- ایجاد خطر برای مرجع امنیت (ایده حاکمیت) به وجود آمده بود. درواقع ما با شرایط یک براندازی نرم و کودتای مخملی روبرو بودیم که تمامی علائم مدل‌های قبلی انجام شده در سایر کشورها مانند گرجستان، اوکراین و ... را داشت. بر اساس آنچه گفته شد، فتنه ۸۸ یک بحران امنیتی سیاسی بود. بر اساس مدل تبیین شده در این مقاله، هر بحران امنیتی (اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و زیست‌محیطی)، خود می‌تواند در ۸ سطح (از اداری تا کاملاً بحرانی) باشد، برای اینکه بتوانیم سطح بحران امنیتی سیاسی به وجود آمده از فتنه ۸۸ را متوجه شویم لازم است بار دیگر مروری به ویژگی‌های هر یک از ۸ سطح گفته‌شده داشته باشیم.

جدول (۴) سطوح مختلف بحران

نوع وضعیت / سطح	میزان تهدید	میزان زمان	غافلگیری / پیش‌بینی شده
کاملاً بحرانی	شدید	کوتاه	غافلگیری
نوظهور	شدید	بلند	غافلگیری
بطئی	ضعیف	بلند	غافلگیری
ویژه یا موردی	ضعیف	کوتاه	غافلگیری
انعکاسی	شدید	کوتاه	پیش‌بینی شده
عمدی	شدید	بلند	پیش‌بینی شده
عادی	ضعیف	بلند	پیش‌بینی شده
اداری	ضعیف	کوتاه	پیش‌بینی شده

در اینجا نمی‌توان به‌طور تصریحی سطح بحران امنیتی سیاسی فتنه ۸۸ را مشخص کرد چرا که این امر نیاز به اطلاعات دقیق و همفکری در سطح سازمان‌های انتظامی، اطلاعاتی و امنیتی دارد. به‌عنوان مثال اینکه سازمان‌های امنیتی در آن برهه از زمان غافلگیر شده‌اند یا این وضعیت را پیش‌بینی می‌کرده‌اند می‌تواند سطح بحران را ۴ مرحله به پایین‌تر و یا بالاتر هدایت کند. اما در اینجا برای تشریح نحوه مشخص کردن سطح بحران امنیتی شرایط فرضی را مدنظر قرار می‌دهیم. اگر میزان تهدید ناشی از فتنه ۸۸ را شدید در نظر بگیریم و زمان لازم برای پاسخگویی به وضعیت ایجادشده، کوتاه باشد و از طرفی شرایط فتنه ۸۸ را ناشی از یک غافلگیری بدانیم که سازمان‌های انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی پیش‌بینی‌ای برای آن نداشتند، آنگاه باید اذعان نماییم که بحران امنیتی سیاسی ایجادشده در فتنه ۸۸ در سطح کاملاً بحرانی (سطح ۸ و بالاترین سطح) بوده است. حال اگر به این امر قائل باشیم که سازمان‌های امنیتی و اصولاً دولت برای چنین وضعیتی آمادگی داشته است، بحران در سطح انعکاسی (سطح ۴) بوده است.

چند ملاحظه مهم:

۱- این تحقیق به دنبال تبیین مدیریت بحران نیست و تنها درصدد تبیین بحران امنیتی بر اساس یک چهارچوب علمی بوده است. اینکه در هر سطح از هر یک از ابعاد بحران امنیتی بیان شده باید چه عکس‌العملی نشان داد و چه سازوکاری برای مقابله با آن در نظر گرفت را باید در یک تحقیق جداگانه موردنظر قرارداد.

۲- دیده‌شده که کارشناسان امنیتی برای جلوگیری از ایجاد تشمت در افکار عمومی و عادی جلوه دادن اوضاع از به‌کارگیری واژه بحران برای رویدادها اجتناب دارند. نگارنده اعتقاد دارد که باید بحران امنیتی را به‌واقع آن‌گونه که هست و با دیدگاه واقع‌بینانه‌ای شناخت ولی در مدیریت افکار عمومی آن طوری که به صلاح است عمل کرد. درواقع اینکه ما اعتقادی به بحران امنیتی نداشته باشیم، مسئله را نه‌تنها حل نخواهد کرد بلکه بسیج منابع و برخورد با آن را با خطر و موانع متعددی مواجه خواهد کرد و حداقل ضرر چنین حالتی آن است که زمان حل بحران بسیار بیشتر از آن چیزی که باید باشد به طول خواهد انجامید و ریشه‌های آن به‌راحتی از بین نمی‌رود.

۳- مراجع امنیت مشخص شده در این تحقیق بر اساس نظریات مکتب کپنهاگ بوده است، این مراجع با توجه به نوع نظام‌های سیاسی مستقر در کشورها و از طرفی ارزش‌های حاکم بر آن‌ها قابل تغییر است. بنابراین می‌توان با تغییر مراجع به نفع دولت و نظام مستقر در هر کشوری، مدل پیشنهادی را بومی‌سازی نمود.

۴- برای تخمین اینکه بحران امنیتی در کدام‌یک از ۸ سطح تبیین شده است (اداری تا کاملاً بحرانی) می‌توان شاخص‌هایی متناسب با وضعیت هر جامعه ترسیم کرد. به‌عنوان مثال وقتی گفته می‌شود که بحران امنیتی شدید است، باید شاخص‌هایی که این شدت را تعریف می‌کند را مشخص کرد.